حق با شماست

info@jamejamonline.ir
روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲

 # دانشجو - ایاب و ذهاب

جمعی از دانشجویان:

با وجود تعداد زیاد دانشجویان دو دانشگاه الزهرا(س) و امام صادق(ع) در پل مدیریت و رفت وآمد این افراد، ولی سرویس‌دهی ناوگان عمومی به‌خصوص اتوبوس به دانشجویان بسیار ضعیف است.

 # کیانشهر - تاریکی

رجب‌پور از تهران:

پارك و بوستان‌های منطقه کیانشهر فاقد نور کافی بوده و این پارك‌ها را در شب ناامن کرده است، به طوری که خانواده‌ها نمی‌توانند از این مکان‌ها برای تفریح استفاده کنند.

 # اتوبان - ایمن‌سازی

حقانی از تهران:

ورودی اتوبان فتح شرق به اتوبان آزادگان شرق بسیار باریك و پر از چاله و دست‌انداز است. لطفا نسبت به ایمن‌سازی آن رسیدگی شود.

 # ساماندهی - گوشت

ظفری از تهران:

با توجه به کاهش قیمت مرغ از مسؤولان درخواست می‌شود بازار گوشت و ماهی را نیز ساماندهی کنند تا قیمت این کالاها نیز کاهش پیدا کند.

 # اشك - پیاز

ستوده از تهران:

صادرات بی‌رویه محصولات کشاورزی مانند پیاز باعث افزایش سرسام‌آور قیمت آن شده است، چرا مردم باید این محصولات پرمصرف را به سختی تهیه کنند؟ صادراتی که باعث تورم در جامعه شود آیا به صلاح است.

 # حبوبات - نظارت

جمالی از تهران:

چرا نظارتی روی بسته‌بندی حبوبات در فروشگاه‌های زنجیره‌ای وجود ندارد؟ وزن این بسته‌ها ۹۰۰ گرم است، ولی مبلغ دریافتی آن از مردم معادل یك کیلوگرم است و البته کیفیت مناسبی نیز ندارد.

 # سهام - عدالت

جمعی از شهروندان:

قرار بود سود سهام عدالت تا پایان هفته قبل به حساب همه سهامداران عدالت واریز شود، ولی بازهم این قول به واقعیت نینجامید و سود عده‌ای از سهامداران به آنان تعلق نگرفت.

اعضای توان‌یاب گروه باران، حالا ده سالی می‌شود که روی صحنه تئاتر حاضر می‌شوند

این گروه شگفت‌انگیز

لیلا شوقی
جامعه

همه چیز عجیب به نظر می‌رسد. مردی با چشمان بسته ایستاده وسط سالن نمایش، دستانش را باز می‌کند و با احساس دیالوگش را می‌گوید. از گوشه سمت راست، دختر جوانی با عصا وارد می‌شود، تمرکز کرده و با احساس دیالوگ‌هایش را به زبان می‌آورد همه خوب بازی می‌کنند طوری که عصاهای‌شان در چند دقیقه اول به چشم نمی‌آید. برای اعضای گروه معلول باران «نمی‌توانم» معنی ندارد. حمید کیانیان، مسؤول گروه (برادر کوچك‌تر بازیگر معروف سینما، رضا کیانیان) با هدف توانمندسازی افراد دچار معلولیت دست به تشکیل این گروه تئاتر زده است.

ایده اولیه آموزش تئاتر به افراد معلول خیلی اتفاقی پیش آمد. همه چیز از سر زدن به یکی از آسایشگاه‌های معلولان جسمی. حرکتی شروع شد. اتاقی که در آن ۲۰، ۳۰ نفر دچار معلولیت جسمی و حرکتی خوابیده و خیره به سقف زل زده بودند و روزگار می‌گذراندند، این اولین تصویری است که حمید کیانیان در ذهن دارد.

این تصویر باعث می‌شود او به فکر بیفتد و برای تغییر این روند دست به کار شود. اتفاقا بعد از برقراری ارتباط با معلولان جسمی و حرکتی متوجه می‌شود که آنها چقدر هم با استعدادند و همین باعث می‌شود برای تشکیل گروه، به دنبال مجوزهای لازم برود. اتفاقی که بعد از یك سال و نیم دوندگی، اما به نتیجه‌ای نمی‌رسد و همین می‌شود که کارگردان تئاتر از خیر تشکیل گروه تئاتر می‌گذرد. به قول کیانیان اگر قرار است، اتفاقی بیفتد و کاری انجام شود، همه چیز جور می‌شود.

«بعد از این ماجرا قول داده بودم یکی از بچه‌های معلول را به مراسمی برسانم، در آن مراسم شرکت کردم و اتفاقا همان جا بود که خیلی اتفاقی پیشنهاد تشکیل یك گروه تئاتر به من داده شد.» پیشنهادی که کیانیان با آن موافقت کرد و حالا ۱۱ سال است او گروه معلولان باران را تشکیل داده است.

تئاتردرمانی می‌کنیم

«همان موقع کار با بچه‌ها را شروع کردم.» ۹ ماه بعد، بچه‌های گروه به وضوح با بقیه بچه‌های موسسه فرق دارند. کیانیان توضیح می‌دهد که آنها از بقیه بچه‌ها اعتماد به‌نفس بیشتری داشتند و حتی بیشتر از قبل به ظاهرشان هم می‌رسند. او دلیل این اتفاق را تمرینات گروه تئاترش می‌داند.

آقای کارگردان «کار ما درواقع نمایش‌درمانی و تئاتردرمانی است.» روش درمانی که با آن، بخشی از مشکلات بچه‌های معلول را درمان می‌کنند؛ مثلا معلولی که خجالتی است، نقش یك آدم خجالتی یا نقش مقابل او، یك آدم پررو را بازی می‌کند. روش کار و درمان در همین مواجهه با نقش شروع می‌شود. برای این که معلولی که خجالتی هم هست، نقشش را بازی کند، درباره این خصوصیت کتاب می‌خواند و در روح و روان خود به جست‌وجو می‌پردازد. جست‌وجوها و تمرین‌هایی که با روش‌ها و تمرین‌های کیانیان انجام می‌شود.

او معتقد است شناخت لایه‌های شخصی و پرسوناژ تئاتری که فرد با آن مواجه می‌شود، هم برای او درمان است و هم این که با شناختی که به‌وجود آمده است، باعث می‌شود شخص دچار معلولیت نقشش را خیلی هم خوب بازی کند. او توضیح می‌دهد افرادی که با آنها کار می‌کنند، همیشه در محدودیت بوده‌اند و حالا در گروه تئاتر امکان ثابت کردن خودشان به‌وجود آمده است. حالا با تمرینات و تکنیك‌ها می‌توانند خود را به خود، به خانواده و جامعه نشان دهند.

تصمیم به تغییر

هر شخص دچار معلولیت با هر نوع طیف معلولیتی در گروه امکان حضور دارد. کسانی که نابینا، کم‌بینا، سی‌پی (فلج مغزی) و سندرم داون هستند هم می‌توانند وارد گروه شوند. هیچ محدودیتی وجود ندارد، تنها سدی که ممکن است، اجازه ورود به گروه تئاتر را ندهد، خود افراد هستند.

«هرکسی که می‌خواهد وارد گروه ما بشود، تست می‌دهد.» تست این گروه اما با تست‌های دیگر فرق دارد. تست بازیگری برای ورود به گروه تئاتر انجام نمی‌شود؛ این یك تست روان‌شناسی است.

مدرس تئاتر می‌گوید که افراد دچار معلولیت با پیله‌ای که دور خود تنیده‌اند، زندگی می‌کنند. گروه تئاتر باران درواقع به دنبال کسانی است که ناآگاهند و در عین حال دوست دارند تغییر کنند و نمی‌دانند چه کار کنند تا این تغییر به‌وجود بیاید.

اولین فاکتوری که گروه برای جذب افراد دچار معلولیت به آن توجه می‌کند، انگیزه و خواست خود فرد برای تغییر است.»

بسیاری از بچه‌های دارای معلولیت از وضعیت خود خشنودند و از سرویس گرفتن هم لذت می‌برند.» هرچند که بعضی از بچه‌ها هم از همین مصرف‌گرا بودن و سرویس گرفتن خسته شده‌اند و همین هم باعث شده است تا بخواهند به گروه تئاتر مراجعه کنند.

در ابتدا اتفاقا کیانیان یك سؤال از آنها می‌پرسد: «می‌خواهی تغییر کنی؟» این همان مرحله مهم است. اگر کسی بخواهد تغییر کند و جوابش مثبت باشد، گروه از او حمایت می‌کند و اگر هم نخواهد، اجازه ورود به گروه تئاتر را ندارد.

توانا هستند

بله گفتن بچه‌های دچار معلولیت تازه اول ماجراست. همه گروه ۳۰، ۳۵ نفره تئاتر در ابتدا نابازیگر بوده‌اند؛ اما بعد بسته به توانایی، استعداد و انگیزه خودشان در تئاتر پیشرفت کردند. به گفته کیانیان اما انگیزه از همه چیز مهم‌تر است. «تمام انگیزه‌های یك زندگی شاد از یك معلول گرفته شده است. هم خانواده و هم جامعه انگیزه‌های فردی یك معلول را از او گرفته‌اند.» تمرین‌های انگیزه دادن در همین جا شروع می‌شود. مسؤول گروه تئاتر، توضیح می‌دهد از همان اول یك آینه جلوی بچه‌ها می‌گذارند و از آنها می‌خواهند که به آن نگاه و تمرین کنند.

مشاوره‌های فردی و گروهی هم توانایی‌ها و قدرت درونی و انسانی آنها را نشان می‌دهد. «بسیاری از بچه‌ها قبل از این‌که وارد گروه شوند، فکر می‌کردند روحشان هم معلول است.» درصورتی که آنها که ظاهرشان معلول است، در درون یك انسان هستند و گروه تئاتر هم روی همین نکته تمرکز دارد و در مقابل کسانی که به آنها می‌گویند نمی‌توانی، آنها دم از توانایی بچه‌ها می‌زنند و به آنها آموزش می‌دهند که توانایی‌ها و قدرت خود را درك کنند.

بچه‌ها هم در درس پس دادن تا به حال موفق بوده‌اند. در جشنواره بین‌المللی تئاتر اصفهان آنها به خوبی درخشیدند. کسب ۱۶ مقام در این جشنواره سندی بر این ادعاست.

خانه‌نشین‌هایی که وارد جامعه شدند

تئاتر در این گروه بهانه است. نه این که هدف نیست، اما رسیدن به این هدف دستاوردهای زیادی را هم دارد. قدرت و انگیزه حضور در جامعه یکی از آنهاست. حالا به لطف اعتماد به‌نفسی که بازیگری به اعضای گروه تئاتر داده است، آنها در جامعه حضور پیدا می‌کنند.

دختردچار معلولیتی که ۱۸ سال از خانه بیرون نرفته بود، به کمك این گروه ازدواج کرده است و حالا هم دو فرزند دارد. دختری که در ۱۴سالگی دست چپ و پای چپش را در تصادف رانندگی از دست داده بود و گوشه خانه روزگار می‌گذارند، حالا ورزش پرتاب دیسك می‌کند و قهرمان استانش، مشهد است و برای انتخابی تیم ملی هم خود را آماده می‌کند. مردی که ۴۲ سال از زندگی‌اش را روی ویلچر گذرانده است، با همت خود و انگیزه گروه، به کمك واکر می‌تواند راه برود.

دختری که ۱۱ سال خانه‌نشین بوده است، حالا در دانشگاه درس می‌خواند. نظر مخاطبان تئاتر معلولان هم درباره توانایی اعضای گروه جالب است.

کیانیان می‌گوید: «مخاطبان ما چند دسته هستند. یك دسته از آنها برای این که دلشان بسوزد به دیدن تئاتر ما می‌آیند.»

از کودکان بزهکار تا تئاتر معلولان

حمید کیانیان، تئاتر را از سال ۵۰ زمانی که تازه هفت سال داشت، شروع کرد. اواخر دهه ۶۰، بعد از این که گروه تئاتری که سال‌ها با آنها کار می‌کرد، منحل شد، سراغ یك کار متفاوت رفت.

همان زمان بود که گروه تئاتر بچه‌های بزهکار زیر ۱۶ سال را در داخل زندان راه‌اندازی کرد. او درباره تشکیل این گروه می‌گوید: رفتار بچه‌ها به وضوح تغییر کرد. پسری که همه از او فراری بودند، حالا رفتارش خیلی بهتر شده است.

تئاتر بچه‌های بزهکار اما یك سال بیشتر اجرا نداشت. بعد از آن بود که کیانیان، به دلایل شخصی از صحنه تئاتر دور افتاد. ۱۳ سال بعد اما به علاقه‌اش تئاتر برگشت و بعد از یکی دو سال، گروه تئاتر معلولان را راه‌اندازی کرد. گروهی که سال ۸۸ پا گرفت و حالا در قالب یك موسسه خیریه به معلولانی که می‌خواهند متفاوت زندگی کنند، خدمات می‌رساند.

کیانیان درباره شکل‌گیری موسسه هم می‌گوید: «می‌خواستم یك کار اساسی به غیر از تئاتر برای بچه‌ها انجام دهم، اما هنوز نمی‌دانستم این خواسته چیست؟ یك بار که به حرم حضرت رضا(ع) رفتم، تا چشمم به ضریح افتاد ناخودآگاه گفتم: آموزشگاه هنر ویژه معلولان». همین شد که آموزشگاه هنر در کنار تشکیل گروه تئاتر، برای بچه‌ها کلاس‌های موسیقی و هنرهای تجسمی برگزار می‌کند.

زندگی+

صعود هزار پله‌ای با عصا

خرداد ۹۴ بود که گروه تئاتر معلولان به قلعه هزار پله قلعه رودخان شهرستان فومن صعود داشت. موضوع برای تماشاگرانی که اعضای گروه را می‌دیدند، عجیب بود. گروه هزار پله با عصا و حتی دست به بالا رفت. همین حرکت آنها ثبت ملی شد. در بین آنها مریم شمس هم حضور داشت.

مریم متولد سال ۶۲ است و پنج سالی هم می‌شود که عضو گروه تئاتر معلولان باران شده است. مریم هفت سالش بود که فلج اطفال به سراغش آمد. راه رفتن با عصا و ویلچر، درست بعد از آمپول تست‌نشده جزو زندگی‌اش شد. اوایل قبول این ضایعه برای دختری که تا چند روز پیش توان راه رفتن داشت، سخت بود، شمس اما با آن کنار آمد. درس خواند و درنهایت در رشته حسابداری فارغ‌التحصیل شد. او درباره صعودش به ما می‌گوید: «قبل از این که صعود کنیم، تمرینات متنوعی داشتیم.» مریم توضیح می‌دهد که با عصایش، یار قدیمی، چند ماه خود را برای صعود آماده کرده است تا وقتی که زمان صعود رسید: «۷۰۰ پله را صعود کرده بودم، خیلی سخت بود. فکر کردم که اگر شده با دست پله‌ها را بالا می‌روم.» در نهایت او به همراه گروهش، با عصا از پله‌ها بالا می‌رود و صعود می‌کند. مریم درباره حضورش در گروه تئاتر هم می‌گوید: «فراخوان نمایش را دیدم، تست دادم و بعد وارد گروه شدم.» ورود به گروه، اعتماد به‌نفس مریم را بالا می‌برد. سه چهار ماه بعد از ورود به گروه تئاتر، او اولین جایزه تئاترش را از جشنواره کویر یزد دریافت می‌کند. دریافت جایگاه سوم بازیگری در این جشنواره، اولین موفقیت او در تئاتر است. بعد از آن، او هر روز به کمك عصایش، پله های ترقی را بالا می‌رود.